

## تحلیل مفهومی و مبانی نظری حکمرانی تعالی‌گرا در اندیشه غدیر

محمد محمودی کیا<sup>۱</sup>

چکیده:

این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا امکان استخراج الگوی اسلامی از حکمرانی وجود دارد و در صورت پاسخ مثبت به این پرسش، الگوی حکمرانی اسلامی از چه اصول رفتاری و نیز ارزش‌هایی تبعیت می‌کند؟ نگارنده، الگوی حکمرانی مبتنی بر نصوص مقدس را الگویی «تعالی‌گرا» معرفی می‌کند که علاوه بر سعادت این جهانی، در پی تأمین سعادت آن جهانی جامعه تحت زعامت خود نیز هست. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که عواملی چون اجتهاد در برابر نص و در نتیجه، استقرار نظام خلافت و بعد از آن نیز با روی کار آمدن خلفای اموی و عباسی، مسیر حرکت جامعه اسلامی از ریل‌گذاری اصلی خود خارج شد و فرصت استقرار حکمرانی تعالی‌گرا چندان فراهم نگردید. با این حال، الگوی حکمرانی رسول مکرم اسلام (ص) و نیز دوره خلافت چهارساله امیرالمومنین (ع)، می‌تواند به عنوان موارث عظیم فکری برای اجتهاد در سیره ایشان مورد نظر محققان قرار گیرد تا با تکیه بر اصول و ارزش‌های بنیادین آن، تلاش‌های تئوریک برای پی‌ریزی ساختار یک نظام سیاسی سامان پذیرد.

کلیدواژه:

مبانی نظری، حکمرانی تعالی‌گرا، اندیشه غدیر، رسول مکرم اسلام (ص)، امام علی (ع)

---

<sup>۱</sup> استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام  
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی  
پست الکترونیک: mmahmoudikia@yahoo.com

## مقدمه

اجتماع تاریخی مسلمانان پس از پایان آخرین حج رسول مکرم اسلام (ص) در محلی معروف به غدیر خم و نیز اعلان عمومی و رسمی ولایت و وصایت امیر مؤمنان، امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) توسط رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) در هجدهم ذی الحجه سال ۱۰ هجری قمری، بی شک یکی از مهم ترین رخداد های تاریخ صدر اسلام است که مورد اتفاق همه تاریخ نگاران و علمای فرق اسلامی قرار گرفته است.<sup>۱</sup> هرچند در خصوص مسئله جانشینی امام علی (علیه السلام) این حادثه تنها مورد تاریخی قابل استناد نیست و رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) در مواقع متعدد بر حقانیت وصایت ایشان تأکید داشته اند، با این حال، مسئله غدیر و کیفیت وقوع این حادثه بر سندیت این موضوع اهمیتی ویژه می بخشد.

فارغ از اختلافات کلامی بین مذاهب اسلامی، حقیقت مشاهده پذیر در تاریخ، حاکی از سلب ولایت و وصایت از امام علی (ع) بعد از وفات پیامبر (ص) است و پیدایش نظام خلافت توسط اصحاب حل و عقد طریقه ای بود که موجبات تغییر در روند تاریخ تحولات اسلام در دوره زمانی پس از درگذشت رسول اکرم (ص) را فراهم آورد. به هر نحو، با قتل خلیفه سوم، و اجتماع و اصرار مسلمین بر خلافت امام علی (ع)، شاهد دوره ای طلایی از حکمرانی توحیدی در جهان اسلام هستیم. هرچند عمر این دوران به واسطه شهادت ایشان، دوره ای کوتاه بود،

---

<sup>۱</sup> عبدالحسین امینی نجفی در مجموعه الغدیر، به گردآوری اسناد تاریخی اثبات و نیز جزئیات وقوع حادثه غدیر نزد اعلام اهل سنت پرداخته است. نویسنده در این کتاب به ۱۱۰ تن از صحابه و ۸۴ نفر از تابعین پیامبر که حدیث غدیر را روایت کرده اند اشاره می کند. آنگاه ۳۶۰ تن از راویان حدیث غدیر از قرن دوم تا چهاردهم را برمی شمارد.

ولی سلوک رفتاری ایشان در دوره حکمرانی، تأثیرات شگرفی بر مفهوم حکمرانی شایسته از نظرگاه اسلامی داشته است.

اندیشه سیاسی شیعی در واقع، با تکیه بر ولایت و وصایت حقه امام علی بن ابیطالب<sup>(ع)</sup>، اصول خود را بر اساس آن قوام بخشیده است؛ این در حالی است که اندیشه سیاسی امامیه پس از دوره حکمرانی امام علی<sup>(ع)</sup> فرصت چندانی برای عملیاتی کردن اصول اندیشه سیاسی خود نداشته است و تنها در چند برهه زمانی کوتاه، حکومت‌هایی شیعی بر سر کار آمده‌اند که الزاماً نمی‌توان آن را برابر با شیوه حکمرانی مطلوب علوی دانست. در دوره معاصر و با استقرار نظام اسلامی در ایران، تلاش‌های نظری و عملی برای پی‌ریزی یک الگوی حکمرانی شایسته مبتنی بر سیره رسول مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> و مکتب اهل بیت طاهرینشان<sup>(علیهم السلام)</sup> افزایش چشمگیری یافته است؛ طرح نظام سیاسی مبتنی بر محوریت ولایت فقیه و تأسیس نظام جمهوری اسلامی از سوی امام خمینی<sup>(ره)</sup>، بارزترین نمود نظری و عملی دوره اخیر در فقه سیاسی شیعی برای استقرار یک الگوی مطلوب از حکمرانی است که البته بحث پیرامون میزان موفقیت یا ناکامی آن در پیاده‌سازی الگویی مطلوب از حکمرانی، موضوع این نوشتار نیست و خود می‌تواند به طور مجزا محل بحث‌های کارشناسی قرار گیرد.

مسئله دیگری که لازم است در مقدمه این نوشتار مورد توجه قرار گیرد، تحولات دهه‌های اخیر در عرصه سیاست جهانی است که منجر به طرح نظریات هنجاری و انتقادی نسبت به مفروضات نظم بین‌المللی معاصر گردید. از همین منظر، بحث پیرامون حکمرانی خوب امروزه یکی از چالش‌ترین مباحثی است که مورد توجه سیاست‌شناسان قرار گرفته است. لذا، بحث پیرامون طرح نظری و استقرار یک الگوی موفق از حکمرانی هنجارگرا و متعهد

به اصولی چون رهایی‌بخشی، اخلاق‌گرایی و ... از موضوعات جدی در پژوهش‌های سیاست بین‌الملل است.

بر اساس این مقدمه، این سؤالات مطرح می‌شود که آیا اسلام و به طور خاص، مکتب اهل بیت(ع) از ظرفیت ارائه الگوی موفقی از حکمرانی شایسته به جهان معاصر برخوردار است؟ مؤلفه‌ها و اصول بنیادین الگوی حکمرانی شایسته در اندیشه اسلامی چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، محقق تلاش می‌کند ضمن مراجعه به نص خطبه غدیر و نیز مبانی فکری و عملی امام علی بن ابیطالب(ع) به تبیین مؤلفه‌های حکمرانی شایسته بپردازد.

در بحث روش‌شناسی نیز محقق در پی تحمیل و انطباق ارزش‌های غربی حکمرانی مطلوب بر الگوی اسلامی حکمرانی نیست. چراکه تعاریف موجود در جامع غربی همچون بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول پیرامون حکمرانی خوب به علت تمایز در وجوه معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه با اصول بنیادین اندیشه اسلامی، نمی‌تواند معیار صدق و کذب گزاره‌های تحقیق قرار گیرد. در واقع، روش حاکم بر مقاله، روشی اکتشافی است و در صدد آن است به تبیین شاخصه‌های «حکمرانی تعالی‌گرا» بپردازد.

نگارنده تعبیر حکمرانی تعالی‌گرا را در کانون توجهات نظری خود قرار داده؛ چراکه بر این باور است هدف غایی از تأسیس حکومت در اندیشه توحیدی، پرورش بعد متعالی انسان‌هاست. از این رو، منطق کنش در اندیشه توحیدی سیاست‌ورزی با الگوی لیبرالیستی انسان‌محور جهان معاصر تفاوت‌های بنیادین دارد.

## ۱- تمهیدات مفهومی:

### ۱-۱- حکمرانی تعالی‌گرا

قبل از ورود به تبیین شاخصه‌های حکمرانی تعالی‌گرا، لازم است بر مفهوم حکمرانی خوب به عنوان مفهوم مشابه در ادبیات سیاسی غرب بپردازیم. چنانچه مشاهده خواهد شد، اشتراکات بالایی میان این دو مفهوم برقرار است، اما با این وجود، به علت مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی متفاوت، پیامدها و کارکردهای مشابهی از این دو تعریف به دست نمی‌آید.

به طور کلی حکمرانی خوب در قالب مؤلفه‌هایی چون پاسخ‌گویی، احترام به حقوق بشر و رعایت قانون، مشارکت، شفافیت، حساسیت به نیاز فقرا، حسابدگی، حکومت قانون، قاعده‌مندی، کاهش فساد و تضمین اینکه اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر اساس اجماع جمعی است، طرح گردیده است (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۱۹-۱۲۰). با این وجود، هیچ یک از نهادهای مرجع در تبیین این شاخصه‌ها، همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، ادعایی دایر بر تضمین سعادت انسان‌ها نداشته‌اند، بلکه این امور دستاویزی برای اعمال مداخلات حداکثری در امور داخلی دیگر کشورهایی است که نیازمند کمک‌های اعطایی از سوی این نهادها هستند. در واقع، دریافت هرگونه کمک از این نهادها، منوط به رعایت استانداردهایی است که ذیل هر یک از مؤلفه‌ها تعریف و تعیین کرده‌اند و بدینوسیله شیوه حکمرانی کشورها در چارچوب اصول، قواعد و رویه‌هایی سامان می‌گیرد که مطلوب سیاست‌های این نهادهاست.

در همین راستا، برخی از منتقدان معتقدند، نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول، با دشوار کردن اوضاع برای بدهکاران، فشار خود را بر این دولت‌ها افزایش می‌دهد تا آنها را وادار به انجام تغییرات مورد نظر صندوق کنند. در یک نگاه کلی، نهادهای مالی

بین‌المللی، وسیله‌ای برای دستیابی به وام‌ها و شرایطی هستند که چون سلاحی در دست تروریسم مالی عمل می‌کند (تب، ۱۳۸۳: ۱۰۷-۱۰۶). جفری ساکس (۱۹۹۸)، اقتصاددان و استاد دانشگاه کلمبیا، نیز معتقد است «صندوق بین‌المللی پول ابزاری است که با آن وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا در کشورهای در حال توسعه دخالت می‌کند» (shchs, 1998: 16-). (۲۱)

لذا، حکمرانی مطلوب از نظر این مجامع بین‌المللی، وسیله‌ای برای اعمال فشار بر کشورها در راستای اعمال تغییرات در نظم اقتصادی و نیز حتی نظم سیاسی داخلی دیگر بازیگران نظام بین‌الملل است. لذا، بررسی آمارهای مراجع بین‌المللی در خصوص میزان فقر، فاصله طبقاتی، درصد تصاحب ثروت جهان بین گروه معدودی از افراد، و... نشان از آن دارد که سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی حاکم بر این نهادهای بین‌المللی در دستیابی به اهداف اعلامی از پیگیری الگوی حکمرانی خوب ناموفق بوده است.

در مقابل، شواهد تاریخی در زمینه استقرار یک الگوی حکمرانی که به طور جامع، سعادت دنیوی و اخروی مردمان را تأمین نماید، وجود دارد. اندیشه سیاسی اسلامی با تأسیس حکومت نبوی در مدینه، سرآغاز شکل‌گیری یک تمدن تأثیرگذار توحیدی را در جهان رقم زد. بعد از ایشان نیز خلفای راشدین هر یک سعی در تقویت پایه‌های این حکومت نوپا داشتند که نقطه اوج این حرکت در دوران زعامت امیرالمومنین<sup>(ع)</sup> نمود دارد. در واقع، حکمرانی در الگوی اسلامی سیاست‌ورزی، علاوه بر تأمین سعادت این جهانی جامعه بشری، به دنبال تأمین سعادت حیات اخروی ایشان نیز می‌باشد.

مراد از اندیشه غدیر، تمسک به آن از دسته از مؤلفه‌ها، هنجارها و اصول بنیادین است که هدف از بعثت نبی مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> و تشکیل حکومت اسلامی را تشکیل می‌دهد. از این رو، غدیر به عنوان یک نقطه عطف تاریخی، مسیر حقیقی حرکت امت اسلامی را ترسیم می‌کند. بر مبنای خطبه غدیر، تداوم رسالت ایشان در ولایت و وصایای امام علی بن ابیطالب<sup>(ع)</sup> نمود می‌یابد. لذا، محقق برای احصاء شاخه‌های الگوی حکمرانی تعالی‌گرا، به کنش‌های اعلانی و اعمالی نبی مکرم<sup>(ص)</sup> و نیز امام علی بن ابیطالب<sup>(ع)</sup> مراجعه می‌کند.

### ۳-۱- فلسفه بعثت انبیاء و تشکیل حکومت توحیدی

قبل از ورود به بررسی مؤلفه‌های حکمرانی شایسته، لازم است به طور مجمل به بررسی فلسفه بعثت انبیاء به عنوان اصلی‌ترین کارگزاران نظام توحیدی و نیز ضرورت تشکیل حکومت پرداخته شود. امام علی<sup>(ع)</sup> یکی از دلایل ارسال رسولان الهی را بازگشایی گنجینه‌های خرد الهی معرفی می‌کند.<sup>۱</sup> در واقع، یکی از مهم‌ترین دلایل انزال وحی و ارسال رسولان، شکوفا ساختن عقل بشری و زدودن آن از هرگونه پیرایه و انحرافی است. بر همین اساس، فلسفه تشکیل حکومت در نگاه توحیدی، زمینه‌سازی برای به فعلیت رساندن هرچه بیشتر ظرفیت‌های ناشناخته عقل بشری برای نیل به شناخت است.

یکی دیگر از دلایل فلسفه بعثت انبیاء، نیاز مردم به زمامدار و ضرورت استقرار حکومت به عنوان یک اصل عقلی است. بی‌شک، در نبود نظام متمرکز و دستگاه اجرایی و نظارتی کارآمد، هرج و مرج جامعه را فرا می‌گیرد و

---

<sup>۱</sup> فبعث فیهم رسله... لیثیروا لهم دفائن العقول (نهج البلاغه، خطبه ۱)

وضعیتی شبیه به وضعیت طبیعی فراهم می‌آورد که هابز در اثر برجسته خود، لویاتان، آن را «جنگ همه علیه همه» معرفی می‌کند. لذا، اموری چون مدیریت اقتصادی کشور (جمع‌آوری بیت‌المال) و نیز ایجاد امنیت و رفاه از مهم‌ترین ادله تشکیل حکومت است (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۰). همین امر بر ضرورت وجود حکمرانان شایسته و صالح صحنه گذارده که بی‌تردید، انبیاء و صالحین، شایسته‌ترین افراد برای تصدی آن هستند.

در نگاه توحیدی یکی دیگر از ادله فلسفه تشکیل حکومت، «بازگرداندن نشان‌های حق و دین خدا؛ ظاهر نمودن اصلاح در سرزمین؛ ایجاد امنیت در زندگی مردم؛ و نیز اجرای قوانین و مقررات فراموش شده خدا» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱) است. تنها در این صورت، می‌توان جامعه را از خطر گمراهی و فساد و تباهی نجات بخشید.

مسئله دیگر در باب فلسفه استقرار حکومت اسلامی، تربیت معنوی مردم است. زمامدار در اندیشه توحیدی، علاوه بر وظایف حکومتی، همچون صیانت از نظم سیاسی، اقتصادی و امنیتی جامعه، در قبال تربیت اخلاقی جامعه نیز مسئول است. رهایی بخشیدن بشر از قیود ستم و صیانت از حقوق طبیعی بشر از جمله مقاصد تشکیل حکومت در اندیشه توحیدی است.

امام علی<sup>(ع)</sup> در باب ضرورت تربیت اخلاقی جامعه توسط زمامدار به تجربه خویش اینگونه اشاره می‌کند که: «با شما به نیکویی زندگی کردم و به قدر توان از هر سو نگاهی شما دادم و از بندهای بردگی و ذلت شما را نجات دادم و از حلقه‌های ستم رهایی بخشیدم، تا سپاسگزاری فراوان من برابر نیکی اندک شما باشد و چشم پوشی از زشتی‌های بسیار شما که به چشم دیدم و با بدن لمس کردم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۹).

در مجموع، تشکییل حکومت نه تنها از نظر عقلی امری بدیهی است، بلکه یکی از محوری‌ترین اهداف رسالت انبیاء عظام تلقی می‌شود؛ چراکه در سایه استقرار یک نظام الهی است که امکان تحقق یک جامعه آرمانی فراهم می‌شود.

## ۲- سیمای کارگزاران شایسته در نظام معرفتی توحیدی

یکی دیگر از پیش‌شرط‌های لازم برای ورود به حکمرانی تعالی‌گرا، تبیین سیمای کارگزاران تراز مکتب توحیدی اسلام است. نخستین شرط لازم برای تشکییل حکومت اسلامی، تربیت و کادر سازی برای کارگزاری نظام اسلامی است. در بیانات رسول مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> و نیز سیره معصومین به ویژه سیره عملی امام علی<sup>(ع)</sup> شاخصه‌های مختلفی برای کارگزاران نظام اسلامی ارائه شده است که در ادامه به بررسی مهم‌ترین این شاخصه‌ها می‌پردازیم.

### ۲-۱- سیمای کارگزاران در بیان نبی مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> در خطبه غدیر

خطبه غدیر که یکی از متون متواتر و معتبر نزد فرق اسلامی است به بیان ویژگی‌های امام و زمامدار جامعه اسلامی که نمود تام و تمام آن در شخصیت امام علی بن ابیطالب<sup>(ع)</sup> جلوه‌گر است، می‌پردازد. برخی از مهم‌ترین خصائص زمامدار جامعه اسلامی در این بخش از کلام نبوی<sup>(ص)</sup> به شرح ذیل است:

۱-۲-۱- با استناد به عبارت «فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ» حکمران می‌بایست:

- هادی به حق و داعی به هدایت باشد؛
- مانع از رواج نادرستی در جامعه باشد و برای نابودسازی آن تلاش نماید؛
- استقامت داشتن در پیمودن راه حق.

۲-۲-۱- بر مبنای خطبه غدیر، حکمران، یاور دین خدا و دفاع کننده از رسول او است؛ هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَالْمَجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَ مِنْ هَمِينَ رُؤْيِ، اِمَارَتِ مُؤْمِنَانِ فَقَطْ مَخْتَصِ بِهٖ اِمَامِ مَعْصُومِ اسْتِ؛ اَلَا لَا تَجُلُّ اِمْرَةَ الْمُؤْمِنِيْنَ بَعْدِي لِاِحْدٍ غَيْرِهِ.

۳-۲-۱- حکمران، پرهیزکار پاکیزه و رهنمایی ار شاد شده است؛ وَ هُوَ التَّقِي النَّقِي الْهَادِي الْمَهْدِي.

۴-۲-۱- حکمران می‌بایست از شکیبایی و سپاسگزاری برخوردار باشد؛ اَلَا وَاِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ.

۵-۲-۱- امامت سواي از پادشاهی است؛ سَيَجْعَلُونَ الْاِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَ اِغْتِصَابًا.

۶-۲-۱- امامت همان صراط مستقیم است و نتیجه حکمرانی امام، راهنمایی به درستی و راستی است؛ اَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي اَمْرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ اَئِمَّةٌ (الهدی)، يَهْدُونَ اِلَى الْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ.

۷-۲-۱- امام برپاکننده آیات و نشانه‌های خداوند در روی زمین است؛ اَلَا اِنَّهُ الْمَخِيْرُ عَنِ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الْمَشِيْدُ لِاِمْرِ اَيَاتِهِ

۸-۲-۱- اختیار امور جهانیان با امام واگذار شده است؛ اَلَا اِنَّهُ الْمُقَوِّضُ اِلَيْهِ.

۹-۲-۱- به پا دارنده نماز؛ اَلَا قَاقِمُوا الصَّلَاةَ.

۱۰-۲-۱- پرداخت زکات؛ آثُوا الزَّكَاةَ.

۱۱-۲-۱- امر به معروف و نهی از منکر؛ وَ اْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

## ۲-۲- سیمای کارگزاران در کلام امیرالمومنین(ع)

شاید یکی از کلیدی‌ترین حوزه‌های مورد تأکید امام علی(ع) در نهج‌البلاغه پس از توحید و ثنای خداوند، به مسئله حکمرانی در ذیل

مباحثات ایشان با فرمانداران و عاملان حکومت اسلامی باز می‌گردد. در واقع، نهج‌البلاغه آکنده است از فرازهای بسیاری در خصوص ویژگی زمامدار و حاکم اسلامی. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های متولیان جامعه اسلامی از دیدگاه ایشان عبارتند از:

۱-۲-۲- بخیل نباشد؛ نادان نباشد؛ ستمکار نباشد؛ عادل باشد؛ رشوه‌خوار نباشد، سمنت پیامبر<sup>(ص)</sup> را ضایع نکند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۸).

۲-۲-۲- هدایت‌گری: «هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند، او (امام زمان) خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۸).

۳-۲-۲- لزوم رعایت اعتدال در حکمرانی: ایشان در بیانی این چنین می‌فرمایند که: «فصاحبها کراکب الصعبه ان اشق لها خرم و ان اسلس لها تقحم». زمامدار مانند کسی است که بر شتری سرکش سوار است، اگر عنان محکم کشد، پرده‌های بینی حیوان پاره می‌شود و اگر آزادش گذارد، در پرتگاه سقوط می‌کند.

همچنین در نامه به یکی از فرمانداران خود این چنین متذکر می‌شوند که: «در آنجا که مدارا بهتر است مدارا کن و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن. پروبالت را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده‌رو و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۶).

۴-۲-۲- رهبر در جامعه همچون محور سنگ آسیاب است که همه امور کشور باید پیرامون او و به وسیله او به گردش در آید (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۱۹).

۵-۲-۲- بر خورداری از آگاهی و عدم غافلگیری. «والله لا اکون کا ضبع»؛ به خدا سوگند از آگاهی لازم برخوردارم و هرگز غافلگیر نمی‌شوم.

۶-۲-۲- عدم سستی و التزام به عمل به وظایف: «و لسننا نرعد حتی نوقع، و لا نسیل حتی نمطر»؛ تا عمل نکنیم، رعد و برقی نداریم و و تا نباریم، سیل جاری نمی‌شود.

۷-۲-۲- آگاهی زمامدار به امور و برخورداراری از بصیرت: «و ان معی لبصیرتی».

۸-۲-۲- مبارزه با فساد: «والله لو وجدته قد تزوج به النساء و ملک به الاماء، لرددته فان فی العدل سعه»؛ به خدا سوگند! بیت‌المال تاراج شده را هر کجا بیابم، به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است.

۹-۲-۲- شجاعت زمامدار: حضرت در خطبه‌ای در ستودن هاشم بن عتبّه برای فرمانداری مصر این چنین می‌گویند: «میدان را برای دشمنان خالی نمی‌گذارم».

۱۰-۲-۲- نیرومندی: «ای مردم! سزاوارترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳)

۱۱-۲-۲- دوری از حس تملق و خودپسندی: «از پستترین حالات زمامدار در نزد صالحان این است که گمان برند، آنها دو ستدار ستایش‌اند و کشورداری آنان بر کبر و خودپسندی استوار باشد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۷)

۱۲-۲-۲- پرهیز از خصایص پادشاهان: «با من چنان که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویید، حرف نزنید و چنان که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرید، دوری نجوید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران می‌آید یا در پی بزرگ‌نشان دادن خویشم» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۷).

۱۳-۲-۲- پرهیز از ستمکاری: «سوگند به خدا! اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان به سر ببرم و یا با غل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شوم، خوشتر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان خدا ستم کرده و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴).

۱۴-۲-۲- حکومت صالحان نتیجه پیمان خدا از عالمان است: «و ما اخذ الله علی العلماء».

۱۵-۲-۲- پیمان خدا از علماء مبنی بر عدم سکوت در برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان: «الا یقاروا علی کظه ظالم و لا سغب مظلوم»

۱۶-۲-۲- اعتدال در امور: «مالک، نه سستی به خرج داده و نه دچار لغزش می‌شود. نه در آنجایی که شتاب لازم است کنی دارد و نه آنجا که کنی پسندیده است، شتاب می‌گیرد».

۱۷-۲-۲- لزوم رعایت اخلاق اجتماعی از سوی کارگزاران: «با مردم فروتن باش، نرم‌خو و مهربان باش، گشاده‌رو و خندان باش. در نگاه‌هایت و نیم‌نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن» (نهج البلاغه، نامه ۲۷).

۱۸-۲-۲- ضرورت ساده‌زیستی کارگزاران: «ای پسر حنیف! به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره تو را به مهمانی خویش فراخوانده و به تو به سرعت به سوی آن شتافتی... گمان نمی‌کردم مهمانی مردی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند... آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمومنین خوانند و در تلخی روزگار با مردم شریک نباشم و در سختی‌های زندگی الگوی آنان نگردم؟» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵)

۱۹-۲-۲- اخلاق رهبری: «مهربانی با مردم را پوششش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۲۰-۲-۲- اصول روابط اجتماعی رهبران: حضرت در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر هنگامی که او را به استانداری مصر برگزید این چنین اصول روابط اجتماعی رهبران و کارگزاران حکومت اسلامی را بر می‌شمارند:

- «تا می‌توانی با پرهیزکاران و راستگویان بپیوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند و تو را برای اعمال زشتی که انجام نداده‌ای تشویق نکنند که ستایش بی‌اندازه، خودپسندی می‌آورد و انسان را به سرکشی وا می‌دارد».

- «هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد رعیت به والی بهتر از نیکوکاری به مردم، تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نمی‌باشد».

- «با دانشمندان فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانون است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

### ۳- شاخصه‌های حکمرانی تعالی‌گرا

۱-۳- لزوم رعایت حقوق متقابل حاکم و مردم: یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های حکمرانی تعالی‌گرا این است که بر وجود رابطه‌ای دو طرفه میان حاکم و رعیت تأکید دارد. در واقع، وجود این حقوق متقابل اولاً مانع خودکامگی حاکم و ثانیاً مانع از تضییع حقوق مردم می‌شود. چنانچه امیرالمومنین<sup>(ع)</sup> در این رابطه می‌فرمایند: «در میان حقوق الهی، بزرگترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است. رعیت اصلاح نمی‌شود جز آن که زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درستکاری رعیت... و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یا بد و راه‌های دین‌پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> پایدار گردد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

درواقع، در مبانی معرفتی اندیشه غدیر، مردم نقشی تزئینی نداشته و حاکم همواره باید توجه خود را معطوف به حقوق آنها دارد. چنانچه ایشان در فرازی از منشور حکمرانی خطاب به مالک اشتر این چنین سفارش می‌نمایند که: «ستون‌های استوار دین، و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آنها گرایش داشته باش و اشتیاق تو با آنان باشد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

از همین روی حاکم را نیز بر مردم حقی است که مهم‌ترین آنها یکی مشورت دادن مردم به زمامدار است و دیگری بیعت مردم با زمامدار و ثبات در آن. چنانچه ایشان در خطبه ۲۱۷

نهج البلاغه این چنین تأکید می‌کنند که «از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم». در بحث بیعت نیز ایشان آن را از مهم‌ترین عوامل نظم سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی می‌دانند و این چنین اظهار می‌دارند که: «همانا بیعت برای امام یک بار بیش نیست و تجدیدنظر در آن میسر نخواهد بود، و کسی اختیار از سر گرفتن آن را ندارد! آن کس که از این بیعت عمومی سرباز زند، طعنه زن و عیبجو خوانده می‌شود و آن کس که نسبت به آن دودل باشد، منافق است» (نهج البلاغه، نامه ۷).

یکی دیگر از حقوق مردم بر حاکم، حق نظارت بر زمامداران است. بر همین اساس، هنگامی که حضرت علی<sup>(ع)</sup> به اصرار مردم خلافت را پذیرفت به مسجد آمده بر فراز منبر شد و ضمن خطبه‌ای فرمود: «خلافت شما را خوش نداشتم، ولی اصرار کردید که خلیفه شما باشم، بدانید که بدون توجه به نظر شما کاری نمی‌کنم. کلیدهای اموال شما با من است، ولی بدون نظر شما حتی یک درهم از آن را بر نمی‌گیریم».

امام<sup>(ع)</sup> صریحاً مردم را برای نظارت بر عملکرد خود دعوت می‌کند و به عبارت دیگر به آنها حق نظارت می‌دهد و حق نظارتشان را به رسمیت می‌شناسد. اگر امام علی<sup>(ع)</sup> خود حق نظارت برای مردم قائل نمی‌شد هیچ یک از آنها خواهان نظارت بر عملکرد او نبودند، چنان که در مورد خلفای سابق این کار را نکردند، ولی امام صریحاً این حق را برای مردم قائل شد: «بدانید حق شما بر من چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ-که از

پوشاندن آن ناگذرانم- و کار را جز-در حکم- شروع بی رأی زدن با شما انجام ندهم».

نکته مقابل حق نظارت مردم بر حاکمان، پاسخگو بودن حاکم در قبال مردم است. ایشان در این باره این چنین می‌فرمایند که: «و اگر رعیت بر تو گمان ستم برد عذر خود را آشکارا با آنان در میان گذار و با این کار از بدگمانی‌شان در آرز، که بدین رفتار خود را به عدالت خوی داده باشی و با رعیت مدارا کرده و با عذری که می‌آوری بدانچه خواهی رسید و آنان را به راه حق درآورده (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۲-۳- تربیت اخلاقی جامعه

یکی دیگر از مؤلفه‌های حکمرانی تعالی‌گرا، توجه به تربیت اخلاقی جامعه است. در واقع، از این منظر، هدف بعثت انبیاء و تشکیک حکومت، تربیت مردمان برای داشتن یک الگوی زیست‌مؤمنانه است. امام علی<sup>(ع)</sup> در بیان وضعیت جامعه در فقدان اخلاق را اینگونه وصف می‌کنند که: «همانا شما در روزگاری هستید که گوینده حق اندک، و زبان از راستگویی عاجز و حقیطلبان بی ارزش‌سند. مردم گرفتار گناه و به سازشکاری همداستانند، جوانانشان بد اخلاق، و پیرمردانشان گناه کار و عالم‌شان دورو و نزدیکانشان سود جویند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۳).

یکی از مصادیق تربیت اخلاقی جامعه، حساس کردن جامعه به رواج منکر و ترک معروف است. ایشان در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه این چنین این مهم را مورد تأکید قرار می‌دهند که «مردم از این که حق بزرگی فراموش می‌شود یا باطل خطرناکی در جامعه رواج می‌یابد، احساس نگرانی نمی‌کنند! پس در آن زمان نیکان خوار

---

<sup>۱</sup> الا و ان عندی ان لا احتجز دونکم سراً الا فی حرب و لا اطوی دونکم امرا الا فی حکم (نهج‌البلاغه، نامه ۵۰)

و بدان قدرتمند می شوند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). در واقع، از منظر ایشان یکی از علل از سقوط اخلاقی جامعه، عدم اهتمام به مسئله معروف و منکر در جامعه است.

### ۳-۳- انسداد منافذ فساد اقتصادی

یکی دیگر از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های حکمرانی تعالی‌گرا، مبارزه با فساد اقتصادی است. فساد به سان موریانه‌ای توصیف شده که پایه‌های حکومت را سست می‌کند و سرانجام منجر به فروپاشی آن می‌شود. لذا، حکمرانی تعالی‌گرا، نمی‌تواند نسبت به زمینه‌های بروز این آفت بی‌تفاوت باشد.

یکی از راه‌های مبارزه با این آفت، پرهیز از امتیازخواهی و رانت‌خواری حاکم و نیز نزدیکی او است. نهج‌البلاغه آکنده از شواهد متعددی است که امیرالمومنین<sup>(ع)</sup> حاکم را از خطر امتیازخواهی برحذر داشته است. چنانچه آن هنگام که عقیل، برادر نیازمند و عائله‌مند امام<sup>(ع)</sup>، برای دریافت مقرری بیشتر به ایشان مراجعه می‌کند با این پاسخ مواجه می‌شود که: «ای عقیل! گریه‌کنندگان بر تو بگیرند، از حرارات آهنی می‌نالی که انسانی به بازیچه آن را گرم ساخته است؟ اما مرا به آتش دوزخی می‌خوانی که خدای جبارش با خشم خود، آن را گداخته است؟... به خدا سوگند! اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من دهند، تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه‌ای به ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد! و همانا این دنیای آلوده شما نزد من از برگ جویده شده دهان ملخ پست‌تر است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۴).

امام علی<sup>(ع)</sup> به یکی از عوامل خود که احتمال خیانتش در بیت‌المال می‌رفت این چنین نوشت: «حساب خود را به من پس بده و بدان حساب خدا بزرگتر از حساب مردمان است؛ فزارفع

الی حسابک و اعلم أنّ حساب الله أعظم من حساب الناس». (نهج البلاغه، نامه ۳۱۳).  
برخورد قاطعانه با خیانت کارگزاران یکی از نموده‌های برجسته اندیشه و عمل حکومتی امام علی(ع) است. از این رو، هنگامی که به امام علی(ع) خبر دادند شریح بن حارث، قاضی امام، خانه‌ای به ۸۰ دینار خریده، او را احضار کرد و فرمود: «ای شریح! اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای» (نهج البلاغه، نامه ۳).

همچنین در نامه به اشعث ابن قیس، فرماندار آذربایجان اینگونه او را مورد عتاب قرار می‌دهند که: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی؛ تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی. در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری» (نهج البلاغه، نامه ۵).  
نامه به زیاد بن ابیه، جانشین فرماندار بصره نیز یکی دیگر از همین مصادیق است. چنانچه ایشان اینگونه حاکم مذ صوب خود را مورد عتاب قرار می‌دهد که: «به راستی به خدا سوگند می‌خورم! اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت می‌گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی» (نهج البلاغه، نامه ۲۱).

یکی دیگر از روزه‌های فساد در حکومت اسلامی، افزون‌طلبی و رانت‌خواری نزدیکان زمامداران است. ایشان در نامه‌ای به مصقلة بن هبیره، فرماندار ارد شیر خزه، این چنین تصریح می‌کنند که: «خبر رسید که تو غنمیت مسلمانان را... به اعرابی که خویشاوندان

تو هستند و تو را برگزیده اند، می‌بخشی! به خدایی که دانه را شکافت و پدیده‌ها را آفرید اگر این گزارش درست باشد، در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است» (نهج البلاغه، نامه ۴۴).

همچنین ایشان در نامه دیگری به هنگام انتصاب مالک اشتر به فرمانداری مصر این چنین تأکید می‌کنند که: «همانا زمامدار را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند. و در معاملات انصاف ندارند. ریشه ستمکاری‌شان را با بریدن اسباب آن بخشکان و به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندانت زمینی را واگذار مکن و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۴-۳- رعایت اعتدال و اصول انسانی در حکمرانی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی تعالی‌گرا، اعتدال‌گرایی است. در واقع، حکمرانی تعالی‌گرا، هیچ نسبتی با افراط و تفریط ندارد. چراکه افراط و تفریط، هر دو برآمده از تعصب کور و به دور از عقلانیت است. ایشان در نامه‌ای به فرماندار فارس، عمر بن ابی سلمه ارحبی، بعد از دریافت گزارش‌هایی مبنی بر قساوت بیش از حد او نسبت به مردمان آن دیار، این چنین فرماندار خود را اینی چنین مورد خطاب قرار می‌دهد که: «همانا دهقانان مرکز فرمانداریت، از خشونت و قساوت و تحقیر کردن و سنگدلی تو شکایت کرده‌اند. من درباره آنها اندیشیدم، نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتم، زیرا که مشرکند و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بدرفتاری هستند، زیرا که با ما هم پیمانند، پس در رفتار با آنان، نرمی و درشتی را به هم آمیز، رفتار توأم با شدت و نرمش داشته باش، اعتدال و

میان‌ه‌وری را در نزدیک کردن یا دور کردن، رعایت کن» (نهج‌البلاغه، نامه ۱۹).  
در اندیشه حکمرانی تعالی‌گرا، زمامداران حتی در هنگامه جنگ نیز حق ندارند از اصول انسانی در برخورد با دشمنان و مخالفان معاند تجاوز نمایند. چنانچه در نامه‌ای به یکی از فرماندهان سپاه خود اینگونه توصیه می‌کنند که: «با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنها شروع کنند، زیرا بحمدالله حجت با شماست، و آغازگر جنگ نبودنتان تا آنکه دشمن به جنگ روی آورد، حجت دیگری بر حقانیت شما خواهد بود. اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند، آن کس را که پشت کرده نکشید و آن را قدرت دفاع ندارد آسب نرسانید و مجروحان را به قتل نرسانید... زنان را با آزار دادن تحریک نکنید هرچند آبروی شما را بریزند...» (نهج‌البلاغه، نامه ۱۴).

از دیگر مصادیق این مهم در اندیشه حکمرانی تعالی‌گرا، لزوم مهربانی با مردم است. ایشان در دستورالعملی به مأموران جمع‌آوری مالیات اینگونه توصیه می‌نمایند که: «هیچ مسلمان را نترسان؛ با زور از زمین او نگذر؛ با آرامش و وقار به سوی مردم حرکت کن؛ در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی نکن؛ اگر کسی خود اعلام نمود در اموال او حقی که خداوند قرار داده نیست، دیگر به او مراجعه نکن» (نهج‌البلاغه، نامه ۲۵).

ایشان کارگزاران بیت‌المال را نیز به رعایت این اصول اخلاقی فرا می‌خوانند و دستورالعملی دقیقی را در خصوص نحوه برخورد با مردم تنظیم می‌نمایند. برخی از مهم‌ترین نکات مندرج در دستورالعمل ایشان عبارتند از: «هرگز کسی را از نیازمندی او باز ندارید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی و مرکب سواری و برده کاری او را نفروشید و برای گرفتن

درهمی، کسی را تازیانه نزنید و به مال کسی، نمازگذار باشد یا غیرمسلمانی که در پناه اسلام است، دستاندازی نکنید، جز اسب و اسلحه‌ایی که برای تجاوز به مسلمان‌ها به کار گرفته می‌شود» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۱).

۳-۵- توجه به طبقه محرومان و مستضعفان یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های حکمرانی تعالی‌گرا، توجه به حق طبقه محرومان و مستضعفان است. در واقع، حکمران نمی‌تواند و نباید نسبت به فرودستان جامعه بی‌تفاوت باشد و همواره می‌بایست در اندیشه رفع نیازمندی‌های ایشان باشد. امام علی(ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر آن هنگام که وی برای به استانداری مصر برگزید این حق را این چنین مورد تأکید قرار داد که: «پاسدار حقی باشد که خداوند برای این طبقه تعیین فرموده... زیرا دورترین مسلمانان همانند نزدیکترین آنها سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می‌باشی... همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی برمگردان... سپس در دفع مشکلاتشان به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند... بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا شخصا به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند... پس درشتی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن و تنگنظری و خودبزرگبینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۳-۶- دادرسی عادلانه

یکی از وجوه حکمرانی تعالی‌گرا، استتقرار نظام عدل و دادگستری است به طوری که تمام افراد جامعه بتوانند برخوردار از حمایت نظام سیاسی در احقاق حقوق تضییع شده خود باشند. امام علی(ع) در فرمان خود به مالک اشتر در هنگام انتصاب وی به استانداری مصر این چنین تأکید می‌کنند: «از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن. کسانی که مراجعه فراوان آنها را با ستوه نیاورد، و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خصمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد. طمع را از دل ریشه کن کند و در شناخت مطالب با تحقیق اندک رضایت ندهد و در شبهات از همه با احتیاط تر عمل کند و در یافتن دلیل، اصرار او از همه بیشتر باشد...» در کشف امور از همه شکیباتر باشد...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

#### ۷-۳- صلح‌طلبی

از منظر اندیشه غدیره، یکی از نمودهای حکمرانی تعالی‌گرا، زیست مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی در عرصه روابط خارجی است. البته صلح‌طلبی همواره در کنار دوران‌دیشی و آگاهی مطرح بوده و نمی‌بایست از مکر دشمنان غفلت ورزید. امام علی(ع) در فرمان خود به مالک اشتر این مهم را اینگونه مورد تأکید خود قرار می‌دهند که: «هرگز پیشنهاد صلح دشمن را که خشنودی خدا در آن است را رد مکن که آسایش رزمندگان و آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد. لکن زنهار! زنهار! از دشمن خود پس از آشتی کردن، زیرا گاهی دشمن نزدیک می‌شود، تا غافلگیر کند. پس دوران‌دیش باش و حسن نظر خود را متهم کن.»

#### ۸-۳- نظارت بر حسن عملکرد کارگزاران

یکی دیگر از ویژگی‌های حکمرانی تعالی‌گرا، نظارت مستمر بر عملکرد کارگزاران حکومتی

است. امام علی(ع) زمامداران حکومت خود را بر مراقبت بر این امر سفارش کرده و ضوابطی را برای نظارت بر عملکرد کارگزاران بیان فرموده‌اند. مهم‌ترین این دستورات در فرمان ایشان به مالک اشتر این چنین تصریح شده است که:

- لزوم آزمایش افراد قبل از انتصاب به مشاغل حکومتی و مشورت کردن با صاحب‌نظران در خصوص صلاحیت و شایستگی ایشان: «در امور کارمندانت بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای مختلف وادار نکن زیرا نوعی ستمگری و خیانت است».

- نظارت پنهان و مستمر بر رفتار کارگزاران: «رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفادار بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانتداری و مهربانی آنها با رعیت خواهد بود».

- مجازات و کیفر کارگزاران خائن: «از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنها دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تایید کرد و به همین مقدار گواهی قناعت کرده و او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر و سپس او را خوار دار و خیانتکار بشمار و طوق بدنامی بر گردنش بیافکن» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۹-۳- وفای به عهد

یکی دیگر از شاخه‌های حکمرانی تعالی‌گرا، دقت در تنظیم پیمان‌ها و نیز ثبات در آن است. «حال اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید... به عهد خویش وفادار باش... پس هرگز پیمان شکن نباش و در عهد خود خیانت نکن و دشمن را فریب مده... سپس فساد، خیانت، و فریب در عهد و پیمان راه ندارد».

مبادا قراردادی را امضا کنی که در آن برای دغل کاری و فریب راه‌هایی وجود دارد».

۱۰-۳-عدم مفارقت میان حاکم و مردم یکی دیگر از خصیصه‌های حکمرانی تعالی‌گرا، لزوم تعامل نزدیک کارگزاران حکومتی با بدنه جامعه است. از این منظر، حاکم می‌بایست از نزدیک خود مسائل و مشکلات جامعه را ببیند و میان خود و مردم فاصله نیاندازد. حضرت در عهدنامه خود به مالک اشتر این چنین تأکید می‌نمایند که: «هیچ گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ نظری و کم اطلاعی در امور جامعه است. نهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد».

۱۱-۳-نظارت بر نظم اقتصادی حاکم بر جامعه سلامت نظام اقتصادی یکی دیگر از حوزه‌هایی که حکمرانی تعالی‌گرا نسبت به آن اهتمام ویژه‌ای دارد. از این منظر، یکی از وظایف زمامدار، نظارت بر سلامت سازوکارها، نهادها و قوانین نظام‌دهنده نظام اقتصادی جامعه است. حضرت در این باره زمامداران را به مبارزه با آسیب‌ها و آفات این حوزه این چنین فرامی‌خوانند که: «در میان بازرگانان کسانی هم هستند که تنگ‌نظر و بد معامله و بخیل و احتکارکننده‌اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار و عیب بزرگی بر زمامدار است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۱۲-۳-عمران و آبادانی توجه و اهتمام به مسئله آبادانی یکی از مهم‌ترین وظایف حکمرانی تعالی‌گراست. بلاشک، سعادت جامعه بدون توجه به رشد و آبادانی سرزمین میسر نخواهد شد و جامعه فقیر نمی‌تواند جامعه سعادت‌مند باشد. امام علی(ع)

یکی از وظایف زمامداران حکومت اسلامی را لزوم توجه به مسئله آبادانی معرفی می‌کنند. ایشان این چنین بر این موضوع تأکید می‌کنند که: «باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع بدست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد» (نهج البلاغه، خطبه ۵۳).

### **جمع‌بندی و نتیجه‌گیری**

چنانچه دیده شد الگوی حکمرانی در اندیشه غدیر دربردارنده ارزش‌ها و شاخصه‌های متفاوتی از الگوی حکمرانی غربی است. هر چند مفهوم کلیدی و راهنما در حکمرانی غربی، پیشینه‌سازی منافع شخصی و یا گروهی است، اما حکمرانی تعالی‌گرا، سعادت هر دو جهانی مردمان را در کانون توجهات خود قرار داده. در واقع، هدف حکمرانی تعالی‌گرا از تأسیس حکومت، استقرار نظم عادلانه، اخلاقی و معنویت‌گرا در سطح جامعه بشری است، از همین رو، حکمرانی تعالی‌گرا، نمی‌تواند نسبت به وجود ناهنجاری‌ها و بی‌عدالتی از خود رواداری نشان دهد.

مسئله مهم در حکمرانی تعالی‌گرا، جایگاه انسان نسبت به خداوند، خود و محیط پیرامون است. در واقع، از منظری هستی‌شناسانه، هدف غایی از آفرینش انسان در اعلی مرتبه و نیز تأسیس حکومت در مرتبه پایین‌تر، آشکارسازی و تعالی ظرفیت‌های نهفته در وجود انسان است. لذا، انسان بما هو انسان در حکمرانی تعالی‌گرا موضوعیت دارد و همه موضوعات دیگر ذیل او تعریف می‌شوند.

اندیشه غدیر در بردارنده الگویی مترقی و دقیق از حکمرانی است که با تدقیق در کنش سیاسی شخص نبی مکرم اسلام و

امیرالمومنین (علیهما السلام)، اصول و مبانی آن برای طرح‌ریزی یک نظم سیاسی قابل استخراج است. این نوشتار، با تمرکز بر حدیث غدیر و نیز مجموعه خطابات و نامه‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، سعی در تبیین اصول کلی حاکم بر کنش سیاسی و نیز ویژگی‌های زمامداران در الگوی حکمرانی تعالی‌گرا دارد. لذا، چنانچه مشاهده شد، حکمرانی تعالی‌گرا، علاوه بر ابعاد حیات مادی به زیست معنوی و آن جهانی انسان نیز اهتمام دارد.

با این حال، عواملی چون اجتهاد اصحاب حل و عقد در برابر نص رسول مکرم اسلام (ص) در خصوص وصایت امیرالمومنین (ع) و در نتیجه، استقرار نظام خلافت و بعد از آن نیز با روی کار آمدن خلفای اموی و عباسی، مسیر حرکت جامعه اسلامی از ریل‌گذاری اصلی خود خارج شد و فرصت استقرار حکمرانی تعالی‌گرا چندان فراهم نگردید. با این حال، الگوی حکمرانی رسول مکرم اسلام (ص) و نیز دوره خلافت چهارساله امیرالمومنین (ع)، می‌تواند به عنوان موارث عظیم فکری برای اجتهاد در سیره ایشان مورد نظر محققان قرار گیرد تا با تکیه بر اصول و ارزش‌های بنیادین آن، تلاش‌های تئوریک برای پی‌ریزی ساختار یک نظام سیاسی سامان پذیرد.

## منابع

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات الهدی.
۲. خطبه غدیر
۳. تقوایی، علی اکبر و تاجدار، رسول (۱۳۸۸). «درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی». فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۳، ۴۵-۵۸.
۴. شریفزاده، فتاح و قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۲). «حکمرانی خوب و نقش دولت». فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره چهارم، صص. ۹۳-۱۰۹.
۵. تب، ویلیام (۱۳۸۳). فیل بی اخلاقی: جهانی شدن و مبارزه برای عدالت اجتماعی در قرن بیست و یکم. ترجمه حسن مرتضوی، تهران: دیگر.

منابع لاتین:

- ۱ - Sachs, J. (1998). "The IMF and the Asian Flu". The American prospect, pp. 16-21.

## Conceptual Analysis and Theoretical Foundations of Transcendental Governance in Ghadir's Thought

### Review :

The issue of governance has always been a key issue in the world of politics. Accordingly, throughout history, governance has emerged in various forms and, according to its intrinsic values as well as the goals it pursued, have had different characteristics and features .

This research seeks to answer the question of whether it is possible to derive the Islamic model from governance, and if the answer to this question is yes, what are the behavioral principles and values of the Islamic governance model?

The author introduces the model of governance based on sacred texts as a "transcendent" model that, in addition to the happiness of this world, seeks to ensure the happiness of that world community under its auspices. Thus, a different pattern of governance emerges from the Western model .

### Key word :

Theoretical foundations, transcendent rule, Ghadir's thought, the Holy Prophet of Islam (PBUH), Imam Ali (AS)